

## تبیین تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جهان عرب و جنبش‌های اسلامی بر اساس نظریه پخش

امیرعلی کتابی<sup>۱</sup>

### چکیده

انقلاب اسلامی ایران در ۱۹۷۹، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی و اجتماعی قرن بیستم، تأثیرات گسترده‌ای بر جوامع اسلامی، به‌ویژه کشورهای عربی، برجای گذاشت. با ارائه الگویی نوین از حکومت دینی مردمی، گفتمان مقاومت، و نفی سلطه‌پذیری، توانست الهام‌بخش جنبش‌های اسلامی در منطقه باشد و پاسخی به این سوال که آیا انقلاب توانست تأثیر گذار باشد؟ فرضیه بر این استوار است که انقلاب اسلامی ایران، افزون بر پیامدهای سیاسی و امنیتی، حامل یک بار فرهنگی و تمدنی بود که توانست در جوامع عربی بازتاب داشته و این بازتاب، نه‌تنها در سطح نخبگان فکری و دینی، بلکه در میان توده‌های مردمی نیز قابل مشاهده است. مفاهیمی چون «الهیات مقاومت»، «وحدت اسلامی»، «سبک زندگی اسلامی»، و «مناسک دینی» به‌عنوان عناصر

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

نرم قدرت انقلاب اسلامی، نقش مهمی در انتقال پیام آن به جهان عرب ایفا کرده‌اند. مقاله حاضر با هدف و رویکرد تحلیلی و توصیفی و با بهره‌مندی از اصول نظریه پخش، به بررسی ابعاد مختلف این تأثیرگذاری در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی پرداخته و نمونه‌های موردی از کشورهایی چون لبنان، فلسطین، مصر، بحرین و یمن را تحلیل می‌کند. همچنین، نقش نظریه‌های سازه‌انگاری و اشاعه فرهنگی در تبیین این پدیده مورد توجه قرار گرفته است.

### کلیدواژه‌ها:

انقلاب اسلامی، جهان عرب، جنبش‌های اسلامی، نظریه پخش.

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رخدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرن بیستم، نقطه عطفی در تاریخ معاصر جهان اسلام محسوب می‌شود. این انقلاب نه تنها ساختار سیاسی و اجتماعی ایران را دگرگون ساخت، بلکه پیامدهای ژرف و گسترده‌ای در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه در میان جوامع اسلامی و کشورهای عربی برجای گذاشت. برخلاف بسیاری از انقلاب‌های مدرن که عمدتاً بر پایه ایدئولوژی‌های سکولار، ملی‌گرایانه یا مارکسیستی شکل گرفته بودند، انقلاب اسلامی ایران بر مبنای آموزه‌های دینی، با مشارکت گسترده مردمی و با رهبری دینی و کاریزماتیک حضرت امام خمینی (ره) به وقوع پیوست. این ویژگی‌ها موجب شد تا انقلاب اسلامی ایران الگویی نوین از حکومت اسلامی مبتنی بر عدالت اجتماعی، استقلال سیاسی، و نفی سلطه‌پذیری ارائه دهد که در میان ملت‌های مسلمان، به‌ویژه در جوامع عربی، مورد توجه و استقبال قرار گرفت (رضایی، ۱۴۰۳: ۴۲۳).

از همان نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب، پیام‌های آن در قالب گفتمان‌هایی چون «مقاومت»، «بیداری اسلامی»، «عدالت خواهی»، «استکبارستیزی» و «بازگشت به هویت اسلامی» در سطح منطقه‌ای منتشر شد (قاسمی بهزاد، ۱۳۹۶: ۱۴۳). این گفتمان‌ها، با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی، رسانه‌ای، و دینی، توانستند در میان ملت‌های مسلمان نفوذ قابل توجهی پیدا کنند و زمینه‌ساز شکل‌گیری یا تقویت جنبش‌هایی شوند که با الهام از انقلاب ایران، خواستار اصلاحات بنیادین، مبارزه با فساد، و استقلال از قدرت‌های خارجی بودند. در این میان، کشورهای عربی به‌عنوان بخش مهمی از جهان اسلام، بیش از سایر مناطق تحت تأثیر این گفتمان قرار گرفتند و در دهه‌های اخیر شاهد تحولات گسترده‌ای بوده‌اند که بخشی از آن‌ها را می‌توان در پرتو تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم انقلاب اسلامی ایران تحلیل کرد.

نمونه‌های بارز این تأثیرگذاری را می‌توان در شکل‌گیری حزب‌الله لبنان، تقویت گروه‌های مقاومت اسلامی در فلسطین، بیداری اسلامی در مصر، اعتراضات مردمی در بحرین، و ظهور جنبش انصارالله در یمن مشاهده کرد. این تحولات، هرچند در بسترهای فرهنگی، مذهبی و سیاسی متفاوتی رخ داده‌اند، اما در بسیاری از موارد، از گفتمان انقلاب اسلامی ایران الهام گرفته‌اند و در مسیر مشابهی از مقاومت، عدالت‌خواهی و استقلال‌طلبی حرکت کرده‌اند. علاوه بر این، انقلاب اسلامی ایران توانسته در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز تأثیرگذار باشد. مفاهیمی چون «الهیات مقاومت»، که از انقلاب اسلامی ایران نشأت گرفته، در کشورهای عربی به‌ویژه لبنان، فلسطین و عراق گسترش یافته است. این مفهوم بر اساس باورهای دینی، عدالت‌خواهی، و نفی طاغوت شکل گرفته و توانسته سبک زندگی اسلامی را تقویت کند.

## عناصر نرم انقلاب اسلامی ایران

### الهیات مقاومت: بازتعریف ایمان در خدمت عدالت و مبارزه

مفهوم «الهیات مقاومت» یکی از نوآوری‌های فکری انقلاب اسلامی ایران است که توانسته در میان جوامع عربی، به‌ویژه در لبنان، فلسطین و عراق، نفوذ قابل توجهی پیدا کند. این مفهوم، ایمان دینی را از حالت فردی و مناسکی صرف، به ابزاری برای مبارزه با ظلم، استکبار و اشغالگری تبدیل می‌کند.

در لبنان، حزب‌الله با بهره‌گیری از الهیات مقاومت، توانسته مشروعیت دینی و مردمی خود را تثبیت کند. در فلسطین، گروه‌های مقاومت اسلامی با تأکید بر جهاد و شهادت، الهیات مقاومت را در ادبیات سیاسی خود نهادینه کرده‌اند. این تحول، موجب شده تا دین نه تنها به‌عنوان منبع معنویت، بلکه به‌عنوان موتور محرک عدالت‌خواهی و مبارزه اجتماعی تلقی شود.

## وحدت اسلامی: فراتر از اختلافات مذهبی

یکی از پیام‌های کلیدی انقلاب اسلامی ایران، دعوت به وحدت اسلامی و پرهیز از تفرقه مذهبی بود. امام خمینی (ره) با تأکید بر مشترکات مسلمانان، تلاش کرد گفتمان انقلاب را فراتر از مرزهای شیعه و سنی گسترش دهد (کلانتری و کتابی، ۱۳۹۵: ۲۰۷). این رویکرد، در بسیاری از جوامع عربی مورد استقبال قرار گرفت، به‌ویژه در میان نخبگان دینی و جوانان عدالت‌طلب.

مناسبت‌هایی مانند هفته وحدت، کنفرانس‌های بین‌المللی اسلامی، و بیانیه‌های مشترک علمای شیعه و سنی، نمونه‌هایی از تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران برای تقویت وحدت اسلامی هستند. این تلاش‌ها، هرچند با مقاومت برخی جریان‌های تکفیری مواجه شده‌اند، اما توانسته‌اند فضای گفت‌وگو و هم‌گرایی را در جهان عرب تقویت کنند.

## مناسک دینی: بازنمایی هویت مقاومت

مناسک دینی، به‌ویژه پیاده‌روی اربعین، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تجمعات مذهبی جهان، نقش مهمی در انتقال پیام انقلاب اسلامی به جوامع عربی ایفا کرده‌اند. این مناسک، علاوه بر بُعد عبادی، حامل پیام‌هایی چون ایثار، وحدت، مقاومت و عدالت‌خواهی هستند که با گفتمان انقلاب اسلامی هم‌خوانی دارند.

در سال‌های اخیر، حضور گسترده زائران عرب از کشورهای عراق، لبنان، بحرین، یمن و حتی مصر در مراسم اربعین، نشان‌دهنده نفوذ فرهنگی انقلاب اسلامی در میان ملت‌های عربی است. این مناسک، به‌عنوان نماد هم‌گرایی اسلامی، توانسته‌اند شکاف‌های مذهبی را کاهش دهند و هویت مشترک مقاومت را تقویت کنند.

## سبک زندگی اسلامی: بازگشت به هویت دینی و اجتماعی

انقلاب اسلامی ایران، با تأکید بر سبک زندگی اسلامی، تلاش کرده الگوی جدیدی از

زیست اجتماعی را ارائه دهد که مبتنی بر ارزش‌های دینی، ساده‌زیستی، عدالت‌محوری و استقلال فرهنگی باشد. این الگو، در میان جوانان عرب، به‌ویژه در جوامع مقاوم، مورد توجه قرار گرفته است.

برای مثال، در لبنان و فلسطین، بسیاری از فعالان اجتماعی و فرهنگی با الهام از سبک زندگی اسلامی انقلاب ایران، فعالیت‌های فرهنگی، خیریه‌ای و آموزشی را راه‌اندازی کرده‌اند. این سبک زندگی، در برابر الگوهای مصرف‌گرایانه و غرب‌زده، به‌عنوان جایگزینی هویتی و مقاومتی مطرح شده است.

با این حال، تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر جهان عرب، صرفاً یک روند خطی و بدون چالش نبوده است. تفاوت‌های مذهبی میان شیعه و سنی، مقاومت حکومت‌های سکولار و وابسته به قدرت‌های غربی، و تحریف رسانه‌ای از اهداف و پیام‌های انقلاب، از جمله موانعی بوده‌اند که در مسیر اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی قرار داشته‌اند. با وجود این چالش‌ها، انقلاب اسلامی ایران توانسته با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فرهنگی، دینی و سیاسی خود، به یکی از مهم‌ترین منابع الهام برای جنبش‌های اسلامی در جهان عرب تبدیل شود. مقاله حاضر با هدف تبیین ابعاد مختلف تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای عربی و جنبش‌های اسلامی، تلاش دارد با رویکردی تحلیلی و توصیفی، ضمن بررسی نمونه‌های موردی، به تحلیل نظری این پدیده نیز بپردازد. در این مسیر، از چارچوب‌های نظری مانند سازه‌انگاری و اشاعه فرهنگی بهره گرفته شده تا بتوان تأثیرات گفتمانی، ساختاری و فرهنگی انقلاب اسلامی را به‌صورت جامع مورد بررسی قرار داد. همچنین، چالش‌ها و محدودیت‌هایی که در مسیر نفوذ این گفتمان وجود داشته، از جمله تفاوت‌های مذهبی، مقاومت حکومت‌های سکولار، و تحریف رسانه‌ای، مورد توجه قرار خواهد گرفت. امید است این پژوهش بتواند با ارائه تحلیلی جامع و مستند، به فهم بهتر نقش انقلاب اسلامی ایران در تحولات جهان اسلام بپردازد.

## چارچوب‌های نظری تاثیر گذاری

انقلاب اسلامی ایران را می‌توان از منظر چند نظریه مهم در روابط بین‌الملل و مطالعات فرهنگی مورد تحلیل قرار داد؛ از جمله نظریه سازه‌انگاری، نظریه اشاعه فرهنگی، و نظریه پخش. ترکیب این سه رویکرد، امکان فهمی چندلایه از تأثیرات انقلاب اسلامی بر جهان عرب و جوامع مسلمان فراهم می‌سازد.

### نظریه سازه‌انگاری: انقلاب اسلامی به مثابه تولیدکننده هنجارهای جدید

نظریه سازه‌انگاری<sup>۱</sup> بر نقش هنجارها، ارزش‌ها و باورهای مشترک در شکل‌گیری رفتارهای سیاسی و اجتماعی تأکید دارد. برخلاف نظریه‌های واقع‌گرایانه که قدرت مادی را عامل اصلی در سیاست بین‌الملل می‌دانند، سازه‌انگاری معتقد است ساختارهای اجتماعی و گفتمان‌های فرهنگی می‌توانند رفتار بازیگران را شکل دهند و حتی ساختارهای قدرت را بازتعریف کنند.

در این چارچوب، انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک «پدیده سازنده هنجار» شناخته می‌شود که توانسته مجموعه‌ای از ارزش‌ها و باورهای جدید را در جهان اسلام تولید و اشاعه دهد. مفاهیمی چون «مقاومت اسلامی»، «ولایت فقیه»، «استکبارستیزی»، «عدالت‌خواهی» و «بازگشت به هویت اسلامی» از جمله هنجارهایی هستند که پس از انقلاب اسلامی در گفتمان سیاسی و اجتماعی کشورهای عربی نفوذ کرده‌اند. این هنجارها نه تنها در سطح نخبگان سیاسی و دینی، بلکه در میان توده‌های مردمی نیز پذیرفته شده‌اند و موجب تغییر در رفتارهای سیاسی، شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی و بازتعریف روابط قدرت در برخی جوامع عربی شده‌اند. شکل‌گیری حزب‌الله لبنان و گفتمان مقاومت در فلسطین، نمونه‌هایی از نهادینه شدن این هنجارها در ساختارهای سیاسی و اجتماعی منطقه هستند.

## نظریه اشاعه فرهنگی: انقلاب اسلامی به مثابه منبع الهام فرهنگی و هویتی

نظریه اشاعه فرهنگی<sup>۱</sup> بر انتقال ارزش‌ها، نمادها و سبک‌های زندگی از یک جامعه به جوامع دیگر تأکید دارد. این نظریه، انقلاب‌ها را صرفاً به‌عنوان تحولات سیاسی نمی‌بیند، بلکه آن‌ها را به‌عنوان پدیده‌های فرهنگی و تمدنی تحلیل می‌کند که می‌توانند از طریق رسانه‌ها، نخبگان، مناسک دینی و تعاملات اجتماعی، پیام خود را به جوامع دیگر منتقل کنند.

انقلاب اسلامی ایران، با بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی و دینی، توانسته پیام خود را به جوامع عربی منتقل کند و در فرآیند «اشاعه فرهنگی» نقش فعالی ایفا نماید. رسانه‌های ایرانی، شبکه‌های ماهواره‌ای، سخنرانی‌های رهبران دینی و مناسک مذهبی مانند پیاده‌روی اربعین، از جمله ابزارهایی هستند که در انتقال پیام انقلاب به جوامع عربی مؤثر بوده‌اند. در این فرآیند، مفاهیمی چون «الهیات مقاومت»، «وحدت اسلامی»، «سبک زندگی اسلامی» و «مبارزه با فساد و استبداد» به‌عنوان عناصر فرهنگی انقلاب اسلامی، در جوامع عربی بازتولید شده‌اند و موجب تقویت هویت اسلامی، افزایش انسجام اجتماعی و شکل‌گیری گفتمان‌های جدید در میان ملت‌های عربی شده‌اند.

## نظریه پخش: انقلاب اسلامی به مثابه پدیده‌ای در حال گسترش

نظریه پخش<sup>۲</sup> به بررسی نحوه انتشار و گسترش پدیده‌ها از یک نقطه به نقاط دیگر می‌پردازد. این نظریه، انقلاب‌ها را به‌عنوان پدیده‌هایی در حال حرکت و گسترش تحلیل می‌کند که از طریق مسیرهای مختلف به جوامع دیگر منتقل می‌شوند.

## پیوند نظریه‌ها با نمونه‌های عملی

ترکیب این سه نظریه، امکان تحلیل جامع‌تری از تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جهان

1. Cultural Diffusion  
2. Diffusion Theory

عرب فراهم می‌سازد. برای مثال:

- در لبنان، حزب الله نه تنها از هنجارهای انقلاب اسلامی چون ولایت فقیه و مقاومت بهره‌برده، بلکه از نمادهای فرهنگی و مناسکی آن نیز استفاده کرده است.
- در فلسطین، گروه‌های مقاومت اسلامی با پذیرش هنجارهای جهاد و شهادت، سبک مبارزه خود را تغییر داده‌اند و از رسانه‌های ایرانی برای اشاعه پیام خود بهره می‌برند.
- در بحرین و یمن، جنبش‌های مردمی با الهام از گفتمان انقلاب اسلامی، هم در سطح هنجاری (مطالبه عدالت و استقلال) و هم در سطح فرهنگی (شعارها، مناسک و نمادها) تحت تأثیر قرار گرفته‌اند.

### روش<sup>۱</sup> نظریه پخش

در این نوشتار برآنیم تا بر اساس نظریه پخش به موضوع بپردازیم. انقلاب‌های بزرگ به دلیل عمق و گستره تحولات بنیادینی که در جوامع خود ایجاد می‌کنند، همواره بازتاب‌هایی فراتر از مرزهای ملی دارند. این دگرگونی‌های عمیق، انقلاب‌ها را به الگویی برای سایر نهضت‌ها تبدیل کرده و موجب تأثیرگذاری آن‌ها بر جنبش‌های مشابه در دیگر کشورها شده‌اند. انقلاب اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده و بازتاب آن در کشورهای اسلامی، قابل بررسی از منظرهای گوناگون است.

در این مقاله، تحلیل بازتاب‌های انقلاب اسلامی بر چند کشور اسلامی با بهره‌گیری از نظریه «پخش» و «انتشار» صورت می‌گیرد. انتخاب این رویکرد نظری با توجه به شرایط متفاوت تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی منطقه و جهان انجام شده است. در تعریف شکویی، «پخش» به معنای «انتشار، گسترش، پراکندگی و به هم آمیختگی»

است (شکویی، ۱۳۶۴: ۱۱۳). همچنین، اشاعه یا پخش به عنوان فرآیندی شناخته می‌شود که طی آن «یک امر فرهنگی، یک نهاد و یا یک اختراع که مشخصه یک جامعه است، در یک جامعه دیگر مورد پذیرش قرار می‌گیرد» (پانوف و پارون، ۱۳۶۸: ۱۱۳).

نظریه پخش نخستین بار در سال ۱۹۵۳ میلادی توسط هاگر استراندر، جغرافی‌دان سوئدی دانشگاه لاند، مطرح شد. او با همکاری همکارانش این نظریه را در زمینه گسترش نوآوری‌ها و پدیده‌های کشاورزی به کار گرفت (شکویی، ۱۳۸۳: ۳۰۲). اگرچه خاستگاه اصلی این نظریه در حوزه جغرافیای انسانی است، اما کاربرد آن به رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز گسترش یافته است. دلیل این امر، توانایی نظریه پخش در تبیین و توضیح انواع نوآوری‌های فکری و فیزیکی است. این نظریه نه تنها علل اشاعه و نحوه گسترش را روشن می‌سازد، بلکه مسیرها و مجاری پخش، دلایل توقف یا گسترش مجدد، و نیز پایداری یا زوال امواج مختلف را نیز تحلیل می‌کند (برزگر، ۱۳۸۶: ۳۹).

### نظریه پخش و تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر جهان عرب و جوامع مسلمان

انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات سیاسی-اجتماعی قرن بیستم، نه تنها ساختار داخلی ایران را دگرگون ساخت، بلکه تأثیرات گسترده‌ای بر جهان عرب و جوامع مسلمان برجای گذاشت. این تأثیرات را می‌توان از منظر نظریه «پخش» تحلیل کرد؛ نظریه‌ای که به بررسی نحوه انتشار و گسترش پدیده‌ها از یک نقطه به نقاط دیگر می‌پردازد.

انواع پخش در این نظریه عبارت‌اند از:

۱. **پخش جابه‌جایی**: زمانی رخ می‌دهد که حاملان یک ایده یا نوآوری، به‌صورت فیزیکی از مکانی به مکان دیگر مهاجرت کرده و آن را در محیط جدید گسترش می‌دهند. در مورد انقلاب اسلامی، اعزام مبلغان، فعالان فرهنگی و سیاسی، و مهاجرت نخبگان ایرانی به کشورهای عربی، نمونه‌هایی از این نوع پخش هستند.

۲. **پخش سلسله‌مراتبی** : در این نوع، ایده‌ها و نوآوری‌ها از طریق ساختارهای قدرت، نهادها یا طبقات اجتماعی منتقل می‌شوند. تأثیر انقلاب اسلامی بر نخبگان فکری و سیاسی جهان عرب، به‌ویژه در لبنان، فلسطین، عراق و مصر، از این نوع پخش محسوب می‌شود.

۳. **پخش سرایتی یا واگیردار**: این نوع پخش بدون واسطه و سلسله‌مراتب، به‌صورت عمومی در میان مردم گسترش می‌یابد. الهام‌گیری جنبش‌های مردمی و اسلامی از انقلاب ایران، به‌ویژه در جریان بیداری اسلامی، نمونه‌ای بارز از این نوع پخش است (جردن و راونتری، ۳۸۰: ۱۶۳).

برای تحلیل دقیق‌تر، نظریه پخش بر شش عنصر کلیدی تأکید دارد:

- **محیط جغرافیایی**: محیط‌های عربی و اسلامی، به‌ویژه در خاورمیانه، نسبت به انقلاب اسلامی واکنش‌های متفاوتی نشان داده‌اند؛ دولت‌ها غالباً ناپذیرا و مردم عمدتاً همگرا بوده‌اند.
- **زمان**: انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۷ تاکنون، به‌صورت مستمر و با سرعت‌های متفاوت در کشورهای عربی و اسلامی گسترش یافته است.
- **محتوا و موضوع**: محتوای انقلاب اسلامی ترکیبی از عناصر سیاسی، معنوی و فرهنگی است که با گفتمان امت‌گرایی و عدالت‌خواهی اسلامی در جهان عرب هم‌خوانی دارد.
- **مبدأ**: ایران به‌عنوان خاستگاه انقلاب اسلامی، با ویژگی‌هایی چون استقلال‌طلبی، مردمی بودن و اسلام‌گرایی، نقش کانونی در صدور این گفتمان ایفا کرده است.
- **مقصد**: کشورهای عربی و مسلمان، به‌ویژه آن‌هایی که با بحران‌های هویتی، سیاسی یا اجتماعی مواجه‌اند، مقصد اصلی این تأثیرگذاری بوده‌اند.

• **مسیر حرکت:** رسانه‌ها، نهادهای فرهنگی، روابط مردمی، و تعاملات دینی و سیاسی، مجاری اصلی انتقال این گفتمان به جهان عرب بوده‌اند (شکویی، ۱۳۷۵: ۳۰۵).

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷، با تکیه بر اسلام، مردم و رهبری، ضربه‌ای به ساختارهای سلطه‌گر شرق و غرب وارد کرد و الهام‌بخش حرکت‌های اسلامی در جهان عرب شد. همان‌طور که محمدی تأکید می‌کند: «انقلاب اسلامی نه اینکه از ۲۲ بهمن ۵۷ آغاز شده و اکنون پایان یافته است، بلکه به نتیجه بیش از یک قرن مبارزه باز می‌گردد. ایران کانون پخش و تراوش حکومت دینی و اسلام‌خواهی به مقصد کشورهای اسلامی شد» (محمدی، ۱۳۸۷: ۸۶).

نگرش فراملی انقلاب اسلامی، آن را از محدودیت‌های جغرافیایی و تاریخی فراتر برده و موجب تحول در روحیه مسلمانان و مستضعفان جهان عرب شده است. این انقلاب، با تأکید بر نجات مستضعفان و احیای هویت اسلامی، زمینه بهره‌برداری حرکت‌های اسلامی از این الگو را فراهم کرده است.

بر این اساس، انقلاب اسلامی ایران از طریق انواع پخش، تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر جهان عرب و جوامع مسلمان برجای گذاشته است. این نوشتار با تکیه بر نظریه پخش، به بررسی نقش انقلاب اسلامی در شکل‌دهی به نگرش سیاسی و بیداری اسلامی در کشورهای عربی، به‌ویژه مصر، می‌پردازد.

## انقلاب اسلامی ایران؛ خاستگاه بازسازی هویت اسلامی در جهان عرب و کشورهای

### مسلمان

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نقطه عطفی در تاریخ معاصر جهان اسلام به‌شمار می‌آید؛ انقلابی که نه تنها ساختار سیاسی ایران را دگرگون ساخت، بلکه گفتمان‌های رایج در سطح بین‌الملل را نیز به چالش کشید و مسیرهای جدیدی را برای بازتعریف هویت

اسلامی در جهان عرب و کشورهای مسلمان گشود. همان‌گونه که فوکو تأکید می‌کند: «انقلاب اسلامی تأییدی بر این برداشت بود که تاریخ یک مسیر واحد و همه‌جایی ندارد». این دیدگاه در تضاد با نظریه‌هایی چون آنچه فرانسویس فوکویاما در «پایان تاریخ، واپسین اسطوره» مطرح کرده، قرار دارد؛ نظریه‌ای که مسیر جوامع را به‌سوی لیبرالیسم و دموکراسی غربی اجتناب‌ناپذیر می‌داند، در حالی‌که چنین تصورات و تمایلاتی «نامنطبق با واقعیت» هستند (ملکوتیان، ۱۳۸۴: ۲۶۹).

بی‌تردید، انقلاب اسلامی یکی از پدیده‌های بزرگ و شگفت‌انگیز سیاسی-فرهنگی در دوران معاصر است. شعارهای آرمان‌گرایانه، اهداف معنوی، روش‌های مردمی و نتایج گسترده آن، در کنار موقعیت ژئوپلیتیکی منحصر به فرد ایران و شرایط تاریخی، داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی وقوع انقلاب، آن را به پدیده‌ای اثرگذار در عرصه بین‌المللی و به‌ویژه در جهان اسلام تبدیل کرده است (احمدی، ۱۳۸۶: ۵۴).

در این بستر، جریان‌های اسلام‌گرا در جهان عرب و کشورهای مسلمان، عمدتاً در چارچوب اندیشه احیاگرایی فعالیت کرده‌اند. این جریان‌ها با هدف دستیابی به قدرت سیاسی یا مشارکت فعال در فرآیندهای سیاسی، از سازوکارهای نوین بهره گرفته‌اند. دغدغه اصلی این گرایش‌های متنوع، احیای هویت اسلامی بوده است؛ هویتی که پس از قرون انحطاط و عقب‌ماندگی، نیازمند بازخوانی و بازسازی بود. این خیزش هویتی، با رویکردی تمدنی، تلاش دارد تا بار دیگر شکوه تمدن اسلامی را احیا کند و مسلمانان را از وضعیت انفعالی گذشته خارج سازد (ضابطی، علی‌حسینی و امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۸).

اسلام سیاسی نیز به‌عنوان یکی از دستاوردهای نظری و عملی انقلاب اسلامی، حاصل تعامل میان اندیشه و کنش اجتماعی است. از یک‌سو، این مفهوم موجب فعال‌سازی مجدد ذهنیت مسلمانان و شکل‌گیری جنبش‌های اسلامی شده و از سوی دیگر، در عرصه عمل، به گسترش و نهادینه شدن جریان‌های اسلام‌گرا در سطح منطقه‌ای و جهانی

انجامیده است. این پدیده، در جهان اسلام به‌عنوان بازگشت به هویت بومی و اسلامی تلقی می‌شود، در حالی که در نگاه غربی، اسلام سیاسی اغلب به‌عنوان تهدیدی برای نظم لیبرال و تمدن غربی معرفی شده است (بهروزلک، ۱۳۸۶: ۲۹).

تأثیر انقلاب اسلامی بر جهان عرب را می‌توان در شکل‌گیری جنبش‌های مقاومت، احزاب اسلام‌گرا، و گفتمان‌های عدالت‌خواهانه و ضد استکباری مشاهده کرد. از لبنان و فلسطین تا بحرین و یمن، بسیاری از حرکت‌های اسلامی با الهام از انقلاب ایران، در مسیر بازسازی هویت اسلامی و مقابله با سلطه‌طلبی خارجی گام برداشته‌اند. این تأثیر نه تنها در سطح نخبگان سیاسی و دینی، بلکه در میان توده‌های مردمی نیز قابل مشاهده است و نشان‌دهنده ظرفیت تمدنی انقلاب اسلامی در احیای روح اسلامی در جهان عرب و کشورهای مسلمان است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی آنچه بیش از هر چیز نمایان شد، دگرگونی هویت اسلامی مردم ایران بود؛ هویتی که پیش‌تر دچار رخوت و ناکارآمدی در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شده بود. در واقع، جامعه با نوعی هویت سرکوب‌شده مواجه بود و امام خمینی (ره) توانستند در پرتو برداشتی انقلابی و کارکردگرایانه، نقش بنیادینی در سازمان‌دهی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایفا کنند.

نوع انقلاب ایران، بیانگر استقرار و تثبیت یک ذهنیت سیاسی اسلامی بود. با تشکیل جمهوری اسلامی، که حاصل اندیشه‌های سیاسی امام و حمایت گسترده مردمی بود و ریشه در برداشت‌های اسلامی داشت، مأموریت سیاسی اسلام به شکلی بی‌نظیر نهادینه شد. «برای نخستین بار یک نظام سیاسی برخاسته از اسلام‌گرایی به شیوه‌های انقلابی جایگزین رژیم سکولار غرب‌گرا و متحد استراتژیک غرب گردید» (محمدی، ۱۳۸۴: ۳۲).

انقلاب اسلامی، به‌عنوان یک تحول بنیادین در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، با مبانی و اهدافی متفاوت از مشهورات رایج در دنیای معاصر، و به‌ویژه با تضاد فلسفی با بنیان‌های فکری مدرنیته غربی، مورد توجه بسیاری از نویسندگان، سیاستمداران،

روزنامه‌نگاران و مراکز علمی غرب قرار گرفت. این توجه، نشان‌دهنده ظرفیت انقلاب اسلامی برای تبدیل شدن به مرجعی متباین با فرهنگ و غایات ماتریالیسم معاصر است؛ انقلابی که با نمایش اهداف آرمانی و متعالی خود، «آلوده نبودن این پدیده به اغراض سیاسی رایج و متعارف در انقلاب‌های جهان و مبارزات سیاسی را نشان می‌دهد» (کوشکی، ۱۳۸۷: ۷۴).

در سطح بین‌المللی، انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین انقلاب‌های نیمه دوم قرن بیستم به‌شمار می‌رود. برخلاف پیش‌بینی‌ها و تلاش‌هایی که برای محدود کردن آن صورت گرفت، آثار این انقلاب به داخل ایران محدود نماند. جوهره اصلی آن، مسائل دینی و اعتقادی بود و طبیعی بود که نسبت به چشم‌اندازهای فراملی و اهداف منطقه‌ای بی‌تفاوت نباشد.

در فرآیند انقلاب اسلامی، گفتمانی شکل گرفت که با وجود نوآوری‌هایش، ریشه در سنت دیرینه اسلام داشت. این گفتمان، به‌مثابه یک ایدئولوژی راهنمای عمل و رهایی‌بخش، تمامی مناسبات داخلی و خارجی جامعه را تحت‌الشعاع آموزه‌های خود قرار داد. «قرائت و اسازانه امام از اسلام (حداقل در پاره‌ای از وجوه) چهره‌ای ایدئولوژیک بدان بخشید که تمامی دقائق و عناصر آرمانی، انسانی و انقلابی سایر گفتمان‌های سیاسی-اجتماعی مدرن و رهایی‌بخش را در خود انعکاس می‌داد. در ثقل گفتمان انقلابی، اسلام به‌عنوان یک دال متعالی نشست بود...» (تاجیک و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۲: ۶۳).

بر اساس همین نگرش، پیوند دین و سیاست در عرصه داخلی و خارجی معنا یافت و مفهوم «صدور انقلاب» نیز در همین چارچوب تفسیر شد. «در چارچوب نظام معنایی این گفتمان [امام خمینی (ره)] صدور انقلاب به یک کنش قهرآمیز و تحمیلی رجوع نمی‌داد، بلکه صرفاً نشان از یک کنش اقناعی داشت... امام با تأکید بر ماهیت جهان‌شمول دین اسلام، انقلاب اسلامی را به مثابه الگویی برای سایر جوامع و وسیله‌ای برای وحدت مسلمانان می‌دانست» (همان، ۷۸).

با گذشت چند دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، تأثیرگذاری آن بر کشورهای اسلامی روزبه‌روز بیشتر شد. «به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، فضای در حال گسترش اصول‌گرایی اسلامی سراسر جهان را فرا گرفت» (ملکوئیان، ۱۳۸۴: ۲۸۰).

### ویژگی‌های متمایز انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران از جهات مختلف با سایر انقلاب‌های قرن بیستم تفاوت داشت. مهم‌ترین ویژگی‌های آن عبارت‌اند از:

- **ماهیت دینی و مردمی**: برخلاف انقلاب‌های مارکسیستی یا ملی‌گرایانه، انقلاب ایران بر پایه آموزه‌های اسلامی و مشارکت گسترده مردمی شکل گرفت.
- **رهبری دینی**: امام خمینی (ره) به‌عنوان مرجع تقلید و رهبر سیاسی، توانست پیوندی میان دین و سیاست برقرار کند.
- **شعارهای ضد استکباری**: شعار «نه شرقی، نه غربی» به‌عنوان نماد استقلال‌طلبی و نفی سلطه‌پذیری، مورد توجه ملت‌های مسلمان قرار گرفت.
- **تأکید بر وحدت اسلامی**: انقلاب ایران تلاش کرد فراتر از مرزهای مذهبی و قومی، پیام وحدت و بیداری اسلامی را منتقل کند.

در جریان انقلاب‌های عربی و بیداری اسلامی سال ۲۰۱۱، مفاهیمی چون استقلال، آزادی، عدالت خواهی و مبارزه با فساد، که ریشه در گفتمان انقلاب اسلامی ایران داشتند، به‌وضوح در شعارهای مردمی کشورهای عربی دیده می‌شدند. این مفاهیم، الهام‌بخش ملت‌هایی شدند که با حضور در خیابان‌ها خواستار پایان نظام‌های استبدادی و آغاز دوره‌ای نوین از مشارکت سیاسی و عدالت اجتماعی بودند. هرچند برخی از این جنبش‌ها در کشورهای مختلف با شکست یا سرکوب مواجه شدند، اما روحیه بیداری اسلامی در میان ملت‌های عربی تقویت شد و گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان الگویی فکری و عملی در ذهنیت عمومی تثبیت گردید.

بر اساس دیدگاه اسپوزیتو و پیرکاتوری، بازتاب انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام را می‌توان در چهار شکل اصلی دسته‌بندی کرد:

۱- دخالت مستقیم و ملموس: در دو کشور لبنان و بحرین، نقش ایران در تحولات سیاسی و حمایت از جریان‌های اسلامی به صورت آشکار و چشمگیر مشاهده شده است.

۲- تقویت جریان‌های اسلامی پیشین: در کشورهایی چون مصر، تونس، نیجریه، اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، پاکستان و فیلیپین، الگوی انقلاب اسلامی ایران و حمایت‌های معنوی آن موجب تقویت و تسریع فعالیت‌های جریان‌های سیاسی اسلامی شده است.

۳- برانگیختن ایدئولوژی اسلامی: ایران در کشورهایی مانند مصر، سودان، مالزی و اندونزی، نقش عام‌تری در احیای تفکر سیاسی اسلامی و شکل‌گیری گفتمان‌های جدید ایفا کرده است.

۴- بهانه برای سرکوب جنبش‌های اسلام‌گرا: در برخی کشورها از جمله عراق، مصر، تونس و اندونزی، فعالیت‌های ایران به‌عنوان دلیلی برای مهار و سرکوب جنبش‌های اسلام‌گرای مخالف توسط حکومت‌ها مورد استفاده قرار گرفته است (اسپوزیتو و پیرکاتوری، ۱۳۸۲: ۳۳۰).

در این میان، یکی از سیاست‌های کلیدی استعمار نو در کشورهای اسلامی، ایجاد تفرقه و اختلاف میان مذاهب اسلامی بوده است؛ سیاستی که ضربه‌های سنگینی به وحدت امت اسلامی وارد کرده است. متأسفانه، برخی گروه‌های فرقه‌گرا مانند سلفیون افراطی، به ابزار اجرایی این سیاست ننگین تبدیل شده‌اند و «شمشیر تفرقه را بر پیکر امت اسلام فرود آورده‌اند» (موسوی، ۱۳۹۰: ۷۹).

## محیط پخش: بازتاب انقلاب اسلامی ایران در کشورهای عربی

انقلاب اسلامی ایران، به‌عنوان یک پدیده سیاسی و فرهنگی، توانست در مدت کوتاهی پس از پیروزی، مرزهای جغرافیایی را پشت سر گذاشته و پیام خود را به ملت‌های مسلمان منتقل کند. کشورهای عربی، به‌دلیل اشتراکات فرهنگی، دینی و تاریخی با ایران، بیش از سایر مناطق تحت تأثیر این انقلاب قرار گرفتند. در این میان، نمونه‌های برجسته‌ای از تأثیرگذاری انقلاب اسلامی را می‌توان در کشورهای لبنان، فلسطین، مصر، بحرین و یمن مشاهده کرد.

اگرچه انقلاب اسلامی ایران از دل جامعه شیعی برخاست، اما در بنیادهای اعتقادی خود با سایر مسلمانان و جنبش‌های اسلامی اشتراک دارد. «انقلاب اسلامی گرچه یک انقلاب شیعی است ولی همانند هر مسلمان و هر جنبش اسلامی دیگر به وحدانیت (لا اله الا الله) اعتقاد دارد، به رسالت پیامبر اکرم (اشهد ان محمد رسول الله) معتقد است، کعبه را قبله آمال و آرزوهای معنوی خود می‌داند، قرآن را کلام خداوند سبحان و آن را منجی بشریت گمراه تلقی می‌کند و به دنیای پس از مرگ و قبل از آن به صلح، برادری و برابری ایمان دارد» (جندی، ۱۳۷۱: ۲۶۵).

پیروزی انقلاب اسلامی، زمینه‌ساز ورود امواج فکری و سیاسی آن به محیط‌هایی شد که در چارچوب نظریه پخش، «محیط پذیرا» تلقی می‌شوند. این محیط‌ها، به‌ویژه در جهان عرب، از منظر روان‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی، آمادگی پذیرش گفتمان انقلاب اسلامی را داشتند.

### لبنان: شکل‌گیری حزب‌الله و تثبیت گفتمان مقاومت

لبنان، با ساختار مذهبی متنوع و سابقه طولانی درگیری‌های داخلی و خارجی، یکی از نخستین کشورهایایی بود که تحت تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی ایران قرار گرفت. در دهه

۱۹۸۰، با اشغال جنوب لبنان توسط رژیم صهیونیستی و ضعف دولت مرکزی، زمینه برای شکل‌گیری گروه‌های مقاومت فراهم شد. در این میان، حزب‌الله لبنان با الهام از گفتمان انقلاب اسلامی و با حمایت معنوی و فکری جمهوری اسلامی ایران تأسیس شد.

این گروه نه تنها در عرصه نظامی، بلکه در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز فعال شد و توانست به یکی از بازیگران اصلی منطقه تبدیل شود. حزب‌الله با تأکید بر اصولی چون ولایت فقیه، مبارزه با اشغالگری، عدالت‌خواهی و وحدت اسلامی، گفتمان انقلاب اسلامی را در لبنان نهادینه کرد. «حزب‌الله لبنان در دهه ۱۹۸۰ با الهام از گفتمان انقلاب اسلامی و حمایت معنوی جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت. این گروه با تأکید بر مقاومت در برابر اشغالگری اسرائیل، عدالت‌خواهی، و رهبری دینی، به یکی از بازیگران اصلی منطقه تبدیل شد. حزب‌الله نه تنها در عرصه نظامی، بلکه در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز تأثیرگذار بوده است.»

پیوند میان حزب‌الله و انقلاب اسلامی ایران، نمونه‌ای بارز از اشاعه گفتمان مقاومت در جهان عرب است؛ گفتمانی که توانسته است در محیط‌های پذیرای منطقه‌ای، به‌ویژه در جوامع تحت فشار و اشغال، جایگاه خود را تثبیت کند.

### فلسطین: تقویت گروه‌های مقاومت اسلامی و تغییر رویکرد مبارزاتی

مسئله فلسطین، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جهان اسلام، همواره در مرکز توجه انقلاب اسلامی ایران قرار داشته است. امام خمینی (ره) از همان آغاز، رژیم صهیونیستی را «غده سرطانی» خواند و حمایت از ملت فلسطین را وظیفه‌ای اسلامی دانست. این رویکرد، موجب شد تا گروه‌هایی مانند حماس و جهاد اسلامی فلسطین، با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی، مبارزه با اشغال را با رویکرد اسلامی دنبال کنند. پیش از انقلاب ایران، مبارزات فلسطینی عمدتاً تحت تأثیر گرایش‌های ملی‌گرایانه و

چپ‌گرایانه قرار داشتند. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گفتمان اسلامی مقاومت جایگزین آن شد و مفاهیمی چون جهاد، شهادت، مبارزه با طاغوت و حمایت از مستضعفان، در ادبیات سیاسی و رسانه‌ای فلسطینیان برجسته‌تر شد. این تحول، نه تنها در سطح شعارها، بلکه در ساختار فکری و عملیاتی گروه‌های مقاومت نیز قابل مشاهده بود. جمهوری اسلامی ایران، با حمایت معنوی، سیاسی و در مواردی نظامی از این گروه‌ها، نقش مهمی در تقویت محور مقاومت ایفا کرد. گروه‌هایی مانند حماس و جهاد اسلامی فلسطین، با الهام از انقلاب اسلامی، مبارزه با اشغال را در چارچوب آموزه‌های اسلامی و با تأکید بر استقلال، عدالت‌خواهی و ایستادگی در برابر استکبار جهانی دنبال کردند.

منیر شفیق، متفکر فلسطینی، در گفت‌وگویی با شبکه العالم تأکید می‌کند: «انقلاب اسلامی ایران بر مقاومت در لبنان و فلسطین، تأثیر فراوانی داشت» و توانست خلأ ناشی از خروج مصر از محور مقاومت را جبران کند. وی همچنین نقش ایران را در شکل‌گیری و تقویت گروه‌های مقاومت اسلامی، به‌ویژه پس از دهه ۱۹۸۰، بسیار تعیین‌کننده می‌داند (شفیق، ۱۴۰۳).

گفتمان انقلاب اسلامی، با تأکید بر حمایت از مظلومان، به تقویت روحیه مقاومت در میان فلسطینیان کمک کرد و زمینه‌ساز شکل‌گیری نهادهایی شد که مبارزه را نه تنها به‌عنوان یک وظیفه سیاسی، بلکه به‌عنوان یک رسالت دینی و انسانی تعریف کردند. این تحول، موجب شد تا مسئله فلسطین از یک موضوع منطقه‌ای به یک آرمان جهانی در میان مسلمانان تبدیل شود.

### مصر: بیداری اسلامی، اخوان‌المسلمین و چالش با سکولاریسم

مصر، به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرو در جهان عرب، همواره نقش مهمی در

تحولات فکری و سیاسی منطقه ایفا کرده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، نخبگان دینی و سیاسی مصر، به‌ویژه اعضای جماعت اخوان المسلمین، تحت تأثیر گفتمان انقلاب قرار گرفتند. هرچند تفاوت‌هایی در مبانی مذهبی میان شیعه و سنی، و در ساختار سیاسی میان جمهوری اسلامی ایران و دیدگاه‌های اخوان وجود داشت، اما اصولی چون عدالت‌خواهی، مبارزه با فساد، و نفی سلطه‌پذیری، مورد توجه مشترک قرار گرفت. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، بیداری اسلامی در مصر با تأثیرپذیری از انقلاب ایران، رشد قابل توجهی داشت. نشریات، کتاب‌ها و سخنرانی‌هایی که به تحلیل انقلاب اسلامی می‌پرداختند، در میان جوانان و نخبگان مصری رواج یافت. با این حال، حکومت سکولار مصر با حمایت غرب، تلاش کرد این نفوذ را محدود کند و با سرکوب جنبش‌های اسلامی، مانع از گسترش گفتمان انقلاب شود.

پس از انقلاب ایران، اخوان المسلمین مصر گفتمان عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد را تقویت کرد. هرچند تفاوت‌های مذهبی و سیاسی میان ایران و اخوان وجود داشت، اما انقلاب ایران الگویی از حکومت دینی مردمی ارائه داد که مورد توجه نخبگان مصری قرار گرفت. بیداری اسلامی در مصر، به‌ویژه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰، تحت تأثیر مستقیم انقلاب ایران قرار داشت، تا جایی که «با بروز اندیشه‌ها و تفکرات وحدت‌گرایانه امام خمینی (ره) در جریان مبارزات و شکل‌گیری انقلاب اسلامی، جماعت اخوان المسلمین با صدور اعلامیه‌ای در سال ۱۹۷۸ ضمن ستایش از انقلاب اسلامی، آن را الگویی برای مبارزات اسلامی خود علیه دولت وابسته و ضد اسلامی مصر بکار بستند» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۳۷۳).

اخوان المسلمین از تمام مسلمانان جهان خواست تا از مسلمانان ایران سرمشق بگیرند، اما در عین حال توضیح داد که این به معنای فراخواندن ملت‌های مسلمان به انقلاب نیست، بلکه دعوتی به وحدت در زیر پرچم اسلام است. عمر تلمسانی، رهبر اخوان المسلمین، به دعوت رهبران جدید ایران چندین بار از تهران دیدار کرد. در تحلیل

موضع اخوان نسبت به انقلاب اسلامی ایران، باید توجه داشت که این جماعت همواره موضعی معتدل در برابر مذهب شیعه داشته و «برافروختن آتش اختلافات مذهبی میان شیعه و سنی را به شدت رد و محکوم کرده است». آنان با پذیرش وجود اختلافات، آن‌ها را «ماهیتی ثانوی» دانسته‌اند. در پاسخ به کسانی که اخوان را به تقلید از امام خمینی (ره) متهم می‌کردند، این جماعت اعلام کرد که همچنان به برنامه‌های امام حسن‌البنی و فادار است. «این جماعت در توجیه حمایت خود از انقلاب ایران اعلام کرد که دلیل حمایت از انقلاب ایران این بوده است که رهبران جدید ایران اعلام کرده‌اند، انقلابشان اسلامی است و هدف آن‌ها پیاده کردن شریعت است» (مرادی، ۱۳۸۳).

اخوان‌المسلمین همچنین در جداسازی مواضع خود از سازمان‌های اسلام‌گرای زیرزمینی و رادیکال، شفاف عمل کرده و در برابر دعوت حکومت انقلابی ایران از دیگر جنبش‌های اسلامی برای جهاد فراگیر، با احتیاط رفتار کرده است. در همین راستا، کتاب فتوحی عزیز با عنوان «خمینی‌الترناتیو اسلامی» در سطح وسیعی در مصر منتشر شد که در آن، روش امام خمینی (ره) به عنوان راه‌حل معرفی گردید. همچنین در دوره‌ای، اندیشه فدائیان اسلام نیز مورد توجه نخبگان مصری قرار گرفت. تا جایی که مجله المسلمون، وابسته به اخوان‌المسلمین، نوشت: «شهید عزیز زنده‌یاد نواب صفوی، روابط تنگاتنگی با المسلمون داشت و در ژانویه ۱۹۵۴ میلادی، به‌عنوان میهمان، در دفتر مجله در قاهره اقامت گزید» (المسلمون، پنجم، ش اول: ۷۳).

### بحرین: اعتراضات مردمی شیعی و مطالبه اصلاحات سیاسی

بحرین، کشوری کوچک در خلیج فارس با اکثریت جمعیت شیعه، یکی از مناطقی است که به‌طور محسوس تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته است. از دهه ۱۹۸۰ به بعد، جنبش‌های مردمی شیعی در این کشور با الهام از گفتمان انقلاب اسلامی، خواستار

اصلاحات سیاسی، پایان تبعیض مذهبی، و مشارکت بیشتر در ساختار قدرت شدند. این جنبش‌ها، با تأکید بر مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، حقوق شهروندی، و نفی سلطه‌پذیری، توانستند گفتمان مقاومت را در میان جوانان بحرینی گسترش دهند. در سال‌های اخیر، به‌ویژه پس از تحولات بهار عربی، اعتراضات مردمی در بحرین شدت گرفت و شعارهایی چون «العدالة»، «الحرية»، و «الوحدة الإسلامية» در تظاهرات دیده می‌شد. حکومت بحرین، با حمایت عربستان سعودی و برخی کشورهای غربی، این اعتراضات را با خشونت سرکوب کرد و تلاش نمود با نسبت دادن این تحرکات به نفوذ ایران، مشروعیت جنبش‌های مردمی را زیر سؤال ببرد. با این حال، گفتمان انقلاب اسلامی همچنان در میان جوانان بحرینی نفوذ دارد و به‌عنوان منبع الهام برای مقاومت مدنی و مطالبه‌گری سیاسی شناخته می‌شود.

مطالعاتی مانند پژوهش‌های مرکز مطالعات خلیج فارس نشان می‌دهند که تأثیر انقلاب اسلامی بر بحرین، بیش از آنکه در قالب دخالت مستقیم باشد، در سطح الهام‌گیری فکری و فرهنگی قابل تحلیل است. این تأثیر، به‌ویژه در میان نخبگان دینی و فعالان اجتماعی، موجب شکل‌گیری گفتمان عدالت‌خواهی و وحدت اسلامی شده است.

### یمن: ظهور جنبش انصارالله و گسترش گفتمان مقاومت

یمن، کشوری با ساختار قبیله‌ای و مذهبی پیچیده، در دهه‌های اخیر شاهد ظهور جنبش انصارالله (حوثی‌ها) بوده است. این گروه، با تأثیرپذیری از گفتمان انقلاب اسلامی ایران، مبارزه با سلطه خارجی، فساد داخلی، و استبداد سیاسی را در دستور کار خود قرار داده است. شعارهایی چون «الله اکبر، الموت لأمریکا، الموت لإسرائيل، اللعنة علی اليهود، النصر للإسلام» که در ادبیات انصارالله دیده می‌شود، شباهت زیادی به شعارهای انقلاب اسلامی دارد.

گروه انصارالله، با بهره‌گیری از مفاهیم مقاومت، عدالت‌خواهی، و استقلال‌طلبی، توانسته در میان بخش‌هایی از جامعه یمن نفوذ قابل توجهی پیدا کند. این جنبش، با تأکید بر استقلال و مقابله با تجاوز خارجی، به یکی از بازیگران مهم در تحولات سیاسی و امنیتی یمن تبدیل شده است. هرچند برخی تحلیل‌گران غربی، انصارالله را صرفاً یک بازیگر سیاسی وابسته به ایران معرفی می‌کنند، اما واقعیت این است که گفتمان انقلاب اسلامی، به‌عنوان منبع الهام فکری و فرهنگی، نقش مهمی در شکل‌گیری و تداوم این جنبش ایفا کرده است. پژوهش‌های منتشرشده در مؤسسات مطالعات منطقه‌ای، از جمله مرکز مطالعات راهبردی خاورمیانه، نشان می‌دهند که انصارالله با بهره‌گیری از الگوی انقلاب اسلامی، توانسته است گفتمانی بومی از مقاومت اسلامی را در یمن نهادینه کند.

### اسلام سیاسی و انقلاب اسلامی ایران: بازتاب منطقه‌ای و جهانی در جهان عرب

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، نقطه عطفی در تاریخ معاصر جهان اسلام بود که توانست مفاهیم جدیدی را در عرصه سیاست، دین و جامعه مطرح کند. این انقلاب، با ماهیتی آرمان‌گرایانه و دینی، پیام‌هایی چون استقلال، عدالت‌خواهی، مبارزه با فساد، اجرای شریعت اسلامی، احترام به شعائر مذهبی، وحدت اسلامی، و ایجاد دولت اسلامی را به جهان اسلام عرضه کرد. مجموعه این مفاهیم، در قالب گفتمانی منسجم، تحت عنوان «اسلام سیاسی» شناخته شد؛ گفتمانی که پس از سرخوردگی ملت‌های عرب از ناسیونالیسم، توانست نقش دین را در تحولات سیاسی برجسته سازد و قدرت ایدئولوژی اسلامی را به نمایش بگذارد. «اسلام سیاسی و قدرت ایدئولوژی، پیامی بود که انقلاب اسلامی برای اعراب، به‌ویژه پس از سرخوردگی آنان از ناسیونالیسم، ارائه کرد» (حشمت‌زاده، ۱۳۸۱: ۹۴).

اسلام سیاسی به آن دسته از «جریان‌های اسلامی که معتقد به ضرورت تشکیل

حکومت اسلامی بر اساس شریعت می‌باشند» اطلاق می‌شود (حسینی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۳). این گفتمان، بر مرجعیت دین در امور سیاسی و اجتماعی تأکید دارد و در برابر اسلام غیرسیاسی قرار می‌گیرد که چنین دغدغه‌ای ندارد، هرچند ممکن است به نوعی تعامل میان شریعت و سیاست معتقد باشد (حقیقت، ۱۳۸۹: ۲۶۳). اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی دانست که حول مفهوم مرکزی «حکومت اسلامی» سازمان یافته است و طیفی از رویدادها، از پیدایش ذهنیت اسلامی تا تلاش برای بازسازی جامعه مطابق با اصول اسلامی را در بر می‌گیرد (بهروزلک، ۱۳۸۷: ۶۲). هواداران اسلام سیاسی بر تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست تأکید دارند و معتقدند اسلام دارای نظریه‌ای جامع درباره دولت و سیاست است. به باور آنان، حکومت اسلامی که بر پایه وحی و متون دینی بنا شده، از سایر نظام‌های سیاسی برتر است و اسلام را به‌مثابه یک ایدئولوژی جامع می‌دانند که دنیا و آخرت انسان را در بر گرفته و برای همه حوزه‌های زندگی دستورها و احکامی روشن دارد.

در این میان، انقلاب اسلامی ایران توانست اسلام سیاسی را به‌عنوان ارزشی جدید مطرح کند و نقش اسلام و مسلمانان را در تحولات منطقه‌ای و جهانی برجسته سازد. پیروزی انقلاب اسلامی، همزمان با مذاکرات کمپ دیوید در مصر رخ داد و با محکومیت این پیمان از سوی ایران، گروه‌های اسلامی از جمله اخوان‌المسلمین میانه‌رو، جامعه‌الاسلامیه و برخی دیگر، دولت مصر را به پیروی از الگوی ایران و مبادرت به «جنگ مقدس» با اسرائیل فراخواندند. آنان از موضع ایران در عقب‌نشینی اسرائیل از تمامی خاک فلسطین اشغالی استقبال کردند (محمدی، ۱۳۸۵: ۲۷۲-۲۷۳).

در مقابل، برخی جریان‌ها تلاش کردند با برجسته‌سازی جنبه‌های ایرانیت و شیعی بودن انقلاب اسلامی، از تأثیر آن در مصر بکاهند. دولت مصر نیز که در آن مقطع به‌دلیل

بهبود روابط با رژیم صهیونیستی در انزوای منطقه‌ای قرار داشت، ایران را به مداخله در امور داخلی خود متهم کرد و با بزرگ‌نمایی خطر انقلاب اسلامی، سعی در ایجاد ائتلاف منطقه‌ای علیه ایران داشت.

گرچه به دنبال گروگان‌گیری در سفارت آمریکا و آغاز جنگ تحمیلی، روابط ایران با برخی گروه‌های اسلامی از جمله اخوان‌المسلمین دچار تیرگی شد (عبدالناصر، ۱۳۸۵: ۳۷۷)، اما تأثیر انقلاب اسلامی در شکل‌گیری نهضت بازگشت به خویش‌نوازی اسلامی و احیای فکر دینی در مصر را نمی‌توان انکار کرد. الهام‌گیری این گروه‌ها از انقلاب اسلامی، منجر به تقویت مخالفان دولت مصر و شکل‌گیری نهضت اسلامی شد. علی‌رغم وجود حکومت پلیسی و فشارهای داخلی و خارجی، گروه‌های اسلامی همچنان در قالب جنبش‌های دانشجویی، اتحادیه‌های کارگری و تشکل‌های دینی به فعالیت خود ادامه می‌دهند (طاهری، ۱۳۸۷).

نکته مهم دیگر آن است که انقلاب اسلامی و جنبش‌های اسلامی دارای دشمن مشترک‌اند؛ «همان استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا (شیطان بزرگ) و اسرائیل (غده سرطانی)» که همانند کفار قریش، مغولان، صلیبیون، استعمارگران اروپایی و صرب‌های نژادپرست، کیان اسلام را تهدید می‌کنند. انقلاب اسلامی با طرح شعار «نه شرقی، نه غربی»، پرچم مبارزه با این دشمن مشترک را به دوش گرفته است (جنیدی، ۱۳۷۱: ۲۵۹). امام خمینی (ره) در این باره فرمودند: «دشمن مشترک ما که امروز اسرائیل و آمریکا و امثال این‌هاست که می‌خواهند حیثیت ما را از بین ببرند، و ما را تحت ستم دوباره قرار بدهند، این دشمن مشترک را دفع کنید» (امام خمینی، ۱۳۷۱: ۷۶۸).

## مجاری انتقال و چالش‌های گفتمان انقلاب اسلامی ایران در جهان عرب

انقلاب اسلامی ایران، فراتر از مرزهای ملی، به‌عنوان یک الگوی فکری و عملی برای

بسیاری از جنبش‌های اسلامی در جهان عرب و کشورهای مسلمان شناخته شده است. شخصیت کارزماتیک امام خمینی(ره)، اندیشه‌های انقلابی ایشان، و تجربه موفق برپایی حکومت اسلامی، مجاری متعددی برای انتقال این گفتمان فراهم آوردند؛ هرچند این مسیر با چالش‌هایی نیز همراه بوده است.

## ۱. مجاری انتقال اندیشه انقلاب اسلامی

شیخ علوی امین السید، استاد دانشگاه الازهر، در گفت‌وگو با روزنامه ایران تصریح می‌کند: «افکار امام خمینی فقط خاص مردم ایران نیست و امام در زمان حیات خود کاری کرد که جهان را به لرزه درآورد و مکتبی از خود باقی گذاشت که تمام مردم جهان از این مکتب استفاده کردند». وی با اشاره به ظرفیت‌های انقلابی در مصر، می‌افزاید: «ما در مصر افکار امام خمینی(ره) را استفاده کردیم و در مصر، جوانان متفکر انقلابی و اسلامی داریم». او نبود رهبری چون امام خمینی را تفاوت اصلی میان انقلاب ایران و مصر دانسته و تأکید می‌کند: «وجود امام برای مردم ایران یعنی همه چیز و اندیشه‌های ایشان برای انقلاب ما هم نقطه بسیار مهمی بود». این اظهارات نشان می‌دهد که اندیشه امام خمینی(ره) به‌عنوان یک مجرای فکری، توانسته در میان نخبگان و جوانان کشورهای عربی نفوذ کند. ترجمه آثار امام، از جمله کتاب «حکومت اسلامی»، توسط گروه‌هایی مانند «اليسار الاسلامی» مصر، نمونه‌ای از این انتقال فکری است (احمدی، ۱۳۶۹: ۱۱۷).

در مارس ۱۹۷۹، دانشجویان مصری با برپایی تظاهرات گسترده و اقامه نماز برای شهدای ایران، حمایت خود را از انقلاب اسلامی اعلام کردند. شیخ عمر تلمسانی، رهبر اخوان المسلمین، نیز گفت: «اخوان المسلمین از پیروزی انقلاب اسلامی شادمان است و آن را تبریک می‌گوید، زیرا رهبر آن اعلام نموده که این انقلاب برای اجرای احکام اسلامی پدید آمده است.» (امرای، ۱۳۸۳: ۲۴۲).

دانشگاه الازهر، با زمینه‌های دینی و احیاگرایانه، بستری مناسب برای پذیرش گفتمان انقلاب اسلامی فراهم آورد. همچنین، ارتباطات تاریخی جریان‌های اسلامی مصر با نواب صفوی و انتشار آثاری چون «خمینی‌الترناتویو اسلامی» در نشریاتی مانند «المسلمون»، از دیگر مجاری مؤثر در انتقال این گفتمان بودند.

### چالش‌های گفتمان انقلاب اسلامی در جهان عرب

با وجود نفوذ گسترده، گفتمان انقلاب اسلامی با موانعی نیز روبه‌رو بوده که در چهار دسته قابل بررسی‌اند:

#### ۱- چالش‌های مذهبی: شکاف‌های فرقه‌ای و حساسیت‌های تاریخی

تفاوت‌های میان شیعه و سنی، به‌ویژه در کشورهایی با اکثریت اهل سنت مانند عربستان، مصر و اردن، موجب شده برخی نخبگان دینی با تأکید بر اختلافات فقهی، انقلاب اسلامی را «افراط‌گرایی شیعی» یا «بدعت» معرفی کنند. این رویکرد، پذیرش پیام‌های انقلاب را در میان جوامع سنی با تردید مواجه ساخته است.

#### ۲- چالش‌های سیاسی: مقاومت حکومت‌های سکولار و وابسته

حکومت‌های عربی سکولار، که اغلب وابسته به قدرت‌های غربی‌اند، انقلاب اسلامی را تهدیدی برای ثبات خود دانسته‌اند. سرکوب جنبش‌های اسلامی در مصر و بحرین، و متهم‌سازی آن‌ها به وابستگی به ایران، نمونه‌هایی از این مقاومت سیاسی‌اند.

#### ۳- چالش‌های رسانه‌ای: تحریف و سانسور

رسانه‌های وابسته به حکومت‌های سکولار یا غربی، با روایت‌سازی‌های منفی، انقلاب اسلامی را به‌عنوان «صدور انقلاب» یا «دخالت در امور داخلی» معرفی کرده‌اند. این جنگ روانی، موجب شده بخشی از افکار عمومی جهان عرب با نگرانی به انقلاب اسلامی نگاه کند.

#### ۴- چالش‌های ساختاری: تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی

تفاوت در ساختارهای اقتصادی، قبیله‌ای، آموزشی و فرهنگی میان ایران و کشورهای عربی، بر میزان نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی تأثیرگذار بوده است. در حالی که در کشورهایمانند یمن و بحرین، این گفتمان با استقبال مواجه شده، در کشورهای ثروتمندتر مانند امارات و قطر، محدودتر بوده است.

#### نتیجه‌گیری و چشم‌انداز آینده

انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یکی از تحولات بنیادین سیاسی و فرهنگی قرن بیستم، توانسته است تأثیرات ژرف و چندلایه‌ای در سطح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به‌ویژه در جهان عرب، برجای گذارد. این انقلاب نه تنها در عرصه سیاست و امنیت، بلکه در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، هویتی و گفتمانی نیز منشأ تحول بوده است.

ارائه الگویی از حکومت دینی مردمی، گفتمان مقاومت، عدالت خواهی، و نفی سلطه‌پذیری، موجب شده تا انقلاب اسلامی ایران الهام‌بخش جنبش‌های اسلامی در کشورهای عربی گردد و مسیر تازه‌ای از بیداری اسلامی را رقم بزند. نگرش فراملی انقلاب، آن را از محدودیت‌های زمانی و مکانی رها ساخته و به الگویی برای نجات مستضعفان و احیای عزت مسلمانان تبدیل کرده است.

رویکرد متعادل مردم مصر در پذیرش خط فکری انقلاب اسلامی، نقش مهمی در گسترش این گفتمان ایفا کرد. الهام‌گیری از تاکتیک‌های مبارزاتی انقلاب، جدی شدن جایگاه دین در جامعه، مطالبه اجرای شریعت اسلامی، احترام به شعائر مذهبی، بیداری اسلامی، اعتمادبه‌نفس سیاسی، و ترویج ایده مبارزه با اسرائیل، همگی از پیامدهای این تأثیرگذاری بودند. این مجموعه تحولات را می‌توان تحت عنوان «اسلام سیاسی» و قدرت «ایدئولوژی» انقلاب اسلامی ایران دسته‌بندی کرد؛ پیامی که پس از ناکامی ناسیونالیسم

عربی، امیدی نو برای جوامع مسلمان فراهم آورد.

در بخش‌های پیشین مقاله، نشان داده شد که انقلاب اسلامی ایران چگونه بر شکل‌گیری و تقویت جنبش‌هایی چون حزب‌الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین، اخوان‌المسلمین مصر، جنبش‌های مردمی بحرین، و انصارالله یمن اثر گذاشته است. همچنین، مفاهیمی چون الهیات مقاومت، وحدت اسلامی، مناسک دینی و سبک زندگی اسلامی، در جوامع عربی بازتاب یافته و موجب تقویت هویت اسلامی و انسجام اجتماعی شده‌اند.

با بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری مانند سازه‌انگاری و اشاعه فرهنگی، می‌توان دریافت که انقلاب اسلامی ایران نه تنها یک رخداد سیاسی، بلکه یک پدیده تمدنی و فرهنگی بوده است که توانسته هنجارها، ارزش‌ها و نمادهای جدیدی را در جهان اسلام تولید و اشاعه دهد. این هنجارها در بسیاری از موارد، رفتارهای سیاسی را دگرگون ساخته، گفتمان‌های نوین را شکل داده، و روابط قدرت را در جوامع عربی بازتعریف کرده‌اند.

با این حال، مسیر نفوذ انقلاب اسلامی ایران در جهان عرب، با چالش‌هایی نیز همراه بوده است؛ از جمله تفاوت‌های مذهبی، مقاومت حکومت‌های سکولار و وابسته، تحریف رسانه‌ای، و تفاوت‌های ساختاری فرهنگی و اجتماعی. این موانع، پیچیدگی فرآیند اشاعه فرهنگی و سیاسی را نشان می‌دهند و ضرورت تعامل هوشمندانه و چندبعدی با تحولات جهان عرب را برجسته می‌سازند.

### چشم‌انداز آینده

تداوم تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر جهان عرب، منوط به تحقق چند عامل کلیدی است:

- حفظ اصول و ارزش‌های انقلاب: پایبندی به عدالت، استقلال، و حمایت از مظلومان، شرط اساسی برای حفظ اعتبار گفتمان انقلاب اسلامی است.

- تقویت دیپلماسی فرهنگی و دینی: بهره‌گیری از ابزارهای نرم قدرت مانند رسانه‌ها، مناسک دینی، و تعاملات علمی و فرهنگی، می‌تواند پیام انقلاب را در میان ملت‌های عربی گسترش دهد.

- مدیریت هوشمند چالش‌های مذهبی و سیاسی: تعامل سازنده با نخبگان اهل سنت، پرهیز از تنش‌های فرقه‌ای، و تقویت وحدت اسلامی، راهکارهایی مؤثر برای کاهش موانع موجود هستند.

- پاسخ‌گویی به نیازهای نسل جدید: نسل جوان جهان عرب، با دغدغه‌هایی چون عدالت اجتماعی، آزادی، و کرامت انسانی، نیازمند الگویی پاسخ‌گوست. انقلاب اسلامی، با بازخوانی و به‌روزرسانی گفتمان خود، می‌تواند نقش مؤثری در این زمینه ایفا کند.

در نهایت، انقلاب اسلامی ایران، با وجود چالش‌ها، همچنان یکی از مهم‌ترین منابع الهام برای جنبش‌های اسلامی در جهان عرب باقی مانده است. این انقلاب، با ارائه الگویی از مقاومت، استقلال، و عدالت، توانسته چشم‌اندازی روشن برای آینده جهان اسلام ترسیم کند.

## فهرست منابع

- احمدی، محمدرضا (۱۳۸۶)، «انقلاب اسلامی و احیاء ارزش های دینی»، فصلنامه پیام، شماره ۸۱.
- اسپوزیتو، جان، ال (۱۳۸۲)، ترجمه محسن مدیر شانه چی، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- امام خمینی (ره) (۱۳۷۱)، وصیت نامه سیاسی الهی، جلد ۲، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- امرای، حمزه (۱۳۸۳)، انقلاب اسلامی ایران و جنبش های اسلامی معاصر، چاپ اول، تهران، مرکز استاد انقلاب اسلامی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۶)، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۵.
- بهروزلک، غلامرضا (۱۳۸۷)، جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران، چاپ ۲، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پانوف، میشل و پارون، میشل (۱۳۶۸)، فرهنگ مردم شناسی، ترجمه اصغر عسکری، تهران: انتشارات ویس.
- تاجیک، محمدرضا و دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۲)، «الگوهای صدور انقلاب در گفتمان های سیاست خارجی»، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۷.
- جردن، تری و راوتنری، لستر (۱۳۸۰)، مقدمه ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سیمین تولایی و محمد سلیمانی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، جستارهای در باب انقلاب اسلامی ایران، قم، انتشارات بوستان کتاب.

جندی، انور (۱۳۷۱)، اسلام و جهان معاصر، ترجمه حمیدرضا آذیر، مشهد، آستان قدس رضوی.

حشمت زاده، محمد باقر (۱۳۸۱)، «انقلاب اسلامی و کشورهای مسلمان»، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره اول، ص ۹۶-۹۴.

رضایی، حسین؛؛ لطفی، مصطفی؛ زروندی جواد؛ فرهادی، علی (۱۴۰۳)، الگوی راهبردی انقلاب اسلامی در بیانات امامین و قانون اساسی، فصلنامه علمی سیاست های راهبردی و کلان، دوره ۱۲ شماره ۴۶.

شفیق، منیر (۱۴۰۳)، جهان عرب از پاسخ ایران به رژیم صهیونیستی خوشحال شد، خبرگزاری ایرنا، ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۳. کد خبر 85478139 :

شکویی، حسین (۱۳۷۵)، اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا، تهران: گیتاشناسی.

ضابطی، معین و علی حسینی، علی و امام جمعه زاده، سید جواد (۱۳۹۸)، «تهدیدات فراروی اسلام سیاسی شیعی در فضای جهانی شدن، مطالعات انقلاب اسلامی، سال شانزدهم، تابستان، شماره ۵۷

طاهری، سید مهدی (۱۳۸۷)، «انقلاب بیدار ساز: نقش انقلاب اسلامی ایران در بیداری جهان اسلام»، پگاه حوزه، شماره ۲۴۹.

قاسمی بهزاد (۱۳۹۶)، تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات جغرافیای سیاسی محور مقاومت در مقابل غرب، پانزده خرداد، بیداری اسلامی، دوره سوم، سال چهاردهم، شماره ۵۱ بهار ۱۳۹۶.

کلانتری، ابراهیم و کتابی، امیر علی (۱۳۹۵)، فرایند وحدت جهان اسلام در اندیشه حضرت امام خمینی (ره)، پژوهش های انقلاب اسلامی، دوره ۵، شماره ۱.

کوشکی، محمد صادق (۱۳۸۷)، «بازشناسی هویت انقلاب اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۱۴.

محمدی، منوچهر (۱۳۸۴)، «بازتاب جهانی انقلاب اسلامی»، فصلنامه پانزده خرداد، سال دوم، شماره پنجم.

محمدی، منوچهر (۱۳۹۵)، بازتاب جهانی انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

مرادی، مجید (۱۳۸۳)، انقلاب اسلامی و تحولات فرا وطنی آن در مصر، مجله پگاه حوزه، شماره ۱۴۰.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۳)، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، انتشارات صدرا.

ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۴)، «تأثیرات منطقه ای و جهانی انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، شماره ۶۱، صفحات ۲۸۵-۲۶۵.

موسوی، سید مهدی (۱۳۹۰)، سلفی گری و وهابیت ج ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.